

مدل معادلات ساختاری حجاب و عفاف

(مطالعه موردی: دانش آموزان دختر دبیرستان‌های استان همدان)

موسی طیبی نیا^۱

احمد محمدپور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۸/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۲/۲۵

صفحات مقاله: ۱۸۹-۲۳۲

چکیده

هدف از این مقاله که بر گرفته از یک طرح پژوهشی است، بررسی ابعاد حجاب و عفاف (آگاهی، باور و التزام عملی) و طراحی مدل معادلات ساختاری آن در بین دانش آموزان دختر دبیرستانی در استان همدان می باشد. روش مورد استفاده پیمایشی و تکنیک گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده که اطلاعات مورد نیاز آن از یک نمونه ۱۰۶۹ نفری از دانش آموزان با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و طبقه‌ای تصادفی گردآوری شده است.

مهمترین نتیجه این مطالعه آن است که رابطه دو سویه حجاب و عفاف یک رابطه مثبت و معنادار است؛ یعنی بر هم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند. اما اثر مدل عفاف بر حجاب (۰/۷۴) بیشتر از اثر مدل حجاب بر عفاف (۰/۶۴) می‌باشد و شاخص‌های برازش آن قوی‌تر و مناسب‌تر می‌باشند. بر اساس نتایج تحلیل معادلات ساختاری مهمترین معرف متغیر مکنون عفاف، باور است و پس از آن به ترتیب، التزام عملی و آگاهی قرار دارند. همچنین معرف‌های متغیر مکنون حجاب به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: التزام عملی، باور و آگاهی.

تایه بی‌نیا@۱۴@gmail.com؛

a_mohammadpur@yahoo.com ؛

^۱ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور همدان

^۲ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان

کلید واژه:

حجاب، عفاف، آگاهی، باور، التزام عملی، مدل معادلات ساختاری

یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حوزه علوم انسانی مسئله انسان‌شناختی است. زیرا هم به درون انسان و هم به برون او توجه دارد. در حوزه انسان‌شناختی نیز یکی از مهم‌ترین مفاهیم اخلاقی که همواره مورد بحث در محافل مختلف فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی بوده، عفاف و حجاب است. در یک نگاه این مفاهیم، بیشتر به قشر زنان گره خورده است که در صورت عدم آگاهی، باور و التزام عملی به آن بیش از هر چیز استکبار جهانی از آن خرسند و منتفع بوده و وسیله‌ای برای تهاجم فرهنگی استکبار علیه دیگر جوامع، به‌خصوص جوامع اسلامی شده است. فرانس فانون می‌نویسد: «هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که بر استعمارگران ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن زن الجزایری را که عریان شده است، به او نشان می‌دهد و پس از دیدن هر چهره بی‌حجابی، امیدهای حمله و ر شدن اشغال‌گران ده برابر می‌گردد. هر بار که یک زن کشف حجاب می‌کند، در واقع وجود جامعه الجزایری را بر سیستم دفاعی سست بنیاد، باز و متلاشی شده به اشغال‌گران اعلام می‌دارد.» (فانون، ۱۳۸۴، ۲۱۰). در این میان کشور ما به دلیل شعارهای بنیادگرایانه و اصول‌گرایی، بیش از پیش در معرض این تهاجم‌ها بوده و می‌باشد.

بنابراین در فرایند جامعه‌پذیری یکی از ارکان مهم، آموزش در زمینه عفاف و حجاب است. و در بازخورد آموزش‌ها باید به بررسی وضعیت آگاهی، باورها و در نتیجه پایبندی به عفاف و حجاب در بین نوجوانان و جوانان پرداخت که هنوز فرصت برای جامعه‌پذیری مجدد آنها وجود دارد.

عفاف و حجاب یکی از مهمترین ارزش‌های جوامع بشری و به‌ویژه اسلامی است. این دو واژه با آنکه اغلب در کنار هم به کار برده می‌شوند اما با هم تفاوت دارند. از نظر لغوی حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می‌شود. برخی گفته‌اند: حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن است. و به آیه شریفه «و من بیننا و بینک حجاب» استناد می‌کنند. و برخی نیز حجاب را به معنای «پرده» آورده و نوشته‌اند: امراه محجوبه (محجبه)، زنی که پوشانیده است خود را به پوشاندنی (صفار دستگردی، ۱۳۸۳، ۳۸). با توجه به معانی ذکر شده درمی‌یابیم که از یک جنبه حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، یعنی پوشش ظاهری افراد و به‌ویژه زنان را حجاب می‌گویند، که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود. البته حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری نیز هست. از دیدگاه اسلام، می‌توان گفت،

بدحجاب یا بی حجاب کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی کند، بلکه ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند، ولی در عین حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش، و در یک کلام، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع، به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب نماید.

عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است، راغب اصفهانی در «مفردات القرآن» می نویسد: العفه حصول حاله النفس تمتنع بها عن غلبه الشهوه؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود. البته قابل ذکر است که در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است، گاه به معنای خود نگهداری و پاکدامنی است که در مورد برخی افراد آمده است و گاه به معنای قناعت آمده و مسائل مالی مورد نظر است. در این مقاله مفهوم اولی مورد نظر است، یعنی خودنگهداری از شهوت و مسائل جنسی. دیگر کتب لغت نیز آورده اند: تعفف (عفت داشتن) یعنی نگاه داشتن نفس از انجام حرام و درخواست از مردم است. برخی از لغت شناسان، عفت را به معنای «ترک شهوات و پاکی خوی و جسم» آورده اند. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب

درونی است که انسان را از گناه باز می‌دارد. حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هر گونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است. بنابراین عفت فلسفه و علت وجودی حجاب است (میر عارفین، ۱۳۸۵، ۱۹۲) به تعبیری لطیف‌تر، حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. برخی از افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این گروه، از حجاب تنها پوسته و ظاهری بی‌معنا دارند، و از سوی دیگر کسانی هستند که ادعای عفاف کرده و با تعابیری همچون، من قلب پاکی دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد، آدم باید چشمش پاک باشد و ... خود را سرگرم کرده‌اند. چنین افرادی باید در قاموس اندیشه خود به این نکته اساسی توجه کنند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه ناپاکی به نام بی‌حجابی و بدحجابی نخواهد شد (طیّبی، ۱۳۷۶، ۵۵).

از آنجائی که زنان در زندگی خود نظام‌های شخصیتی را ارزیابی می‌نمایند و پس از بررسی و رسیدن به نتیجه، نظام شخصیتی غالبی را می‌پذیرند که بتواند شاخص زنی فعال، پویا و کارآمد در جامعه ما محسوب گردد. اما گاه بر اثر

برنامه‌ریزی غلط فرهنگی، میان نظام شخصیت فردی زن که وجه ممیز او با دیگران است، با نظام شخصیت اجتماعی او که هویت جمعی را می‌سازد، آنچنان فاصله ایجاد می‌شود که زن را در انتخاب رفتار دچار تعارض می‌نماید، علی‌الخصوص زنی که از معیارهای بنیادی و ارزشی دور مانده باشد و محور ثابتی برای محک تشخیص حقیقت نداشته باشد، شیوه اتصال به اجتماع (رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی) را برای او آنچنان سطحی و ذلیل جلوه می‌کند، که او را وامی‌دارد این اتصال را به جای اتصال به جامعه خود، با جامعه بیگانه برقرار نماید، و برای ارائه شاخصه‌های فرهنگ خود، از شاخصه‌ها و مدل‌های بیگانه پیروی نماید و در این تشبث به فرهنگ غرب نیز افتخار نماید (بهزاد پور، ۱۳۸۲، ۴۰)

دختران امروز زنان و مادران نسل آینده هستند. با توجه به تغییرات سریع در جامعه و تاثیر بر ارزش‌ها، به نظر می‌آید که تمامی سازمان‌ها و مسئولینی که وظیفه جامعه‌پذیری این قشر از نسل آینده را برعهده دارند باید قبل از هر اقدامی در زمینه بازنگری در فرایند جامعه‌پذیری، مسائل را به‌خوبی بشناسند. یکی از این مسائل میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف است. استان همدان که یکی از استان‌های غربی کشور می‌باشد گرچه به نسبت برخی از استان‌ها از

یک بافت سنتی‌تر بر خوردار بوده و در آن همواره سنت‌ها بر مدگرایی افراطی غلبه داشته است؛ اما در سال‌های اخیر به دلایل مختلف از جمله نزدیکی به پایتخت و تحت تأثیر رسانه‌های با برد زیاد (اینترنت، ماهواره و ...) از ترکش‌های تغییرات در زمینه ارزش‌ها بی‌نصیب نمانده است. از شاخص‌های مهم و اصلی تغییرات فرهنگی و ارزشی دو مقوله حجاب و عفاف است که به نظر می‌رسد مسئله اساسی برای جامعه و برنامه‌ریزان فرهنگی باشد. ضرورت این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که از ابزارهای کنترل رسمی مانند زندان برای تنبیه افراد کجرو استفاده شود. در این صورت هم برای دولت و هم برای خود افراد کجرو هزینه‌های مادی و غیرمادی زیادی به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال بر اساس آمار پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، بیش از ۵۰ درصد از زندانیان تمام زندان‌های کشور به اختلالات حاد روانی مبتلا هستند. جمعیت زندانیان در اکثر زندان‌های کشور بیش از ظرفیت زندان است. از جمله در زندان مرکزی همدان در اتاق‌های ۲۰ نفری، ۵۰ نفر دوران حبس را سپری می‌کنند (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲). بر همین اساس برای جلوگیری از عوارض بی‌عفاف و به دنبال آن بی‌حجابی و بدحجابی و در نتیجه افزایش جرم و جنایت در این حوزه قبل از هر چیز باید مسئله را بویژه در بین اقشار

نوجوان و جوان به خوبی شناخت. از این رو توجه به سوالات زیر اساس کار این مقاله خواهد بود:

- وضعیت آگاهی از حجاب و عفاف در بین دانش‌آموزان دختر چگونه است؟
- وضعیت باورها نسبت به حجاب و عفاف در بین دانش‌آموزان دختر چگونه است؟

- وضعیت التزام عملی نسبت به حجاب و عفاف در بین دانش‌آموزان دختر چگونه است؟

- بین حجاب و عفاف و ابعاد آنها چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- مدل حجاب و عفاف چگونه ترسیم می‌شود.

بدون شک بالاترین خواسته مردان، تمایل به جنس مخالف است. در سخنان عرفا آمده است: «أَعْظَمُ الشَّهْوِ، شَهْوَةُ النِّسَاءِ»؛ بزرگ‌ترین خواسته‌های مرد، رغبت به زنان است (سلطانی رنانی، ۱۳۸۳، ۵۲۲). نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای جنسی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌ناشدنی درمی‌آورد. گزینه جنسی مانند برخی صفات دیگر روحی، گزینه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است؛ هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود. وجود

صاحبان حرمسراها مانند خسرو پرویز و هارون الرشید در کنار قارون‌ها و فرعون‌ها در طول تاریخ و بالا رفتن میزان فحشا و تجاوزات جنسی در جوامع متمدن و آزاد امروزی، شاهدی بر این گفتار است. اسلام به قدرت شگرف این گزینه سرکش توجه کامل کرده است. روایات بسیاری در باره خطرناک بودن نگاه به نامحرم و خلوت با نامحرم و گزینه جنسی وارد شده است. به همین دلیل، اسلام تدابیر متعددی برای تعدیل این گزینه اندیشیده است، مانند احکام نگاه، پوشش، محرم و نامحرم و روابط زن و مرد (کریمی، ۱۳۸۶، ۷۳-۷۴).

یکی از ویژگی‌های مهم زنان، میل به تبرج و خودنمایی است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. گزینه خودنمایی و خودآرایی مانند سایر غرایز آدمی، نیازمند قانونمندی و کنترل است، یعنی باید از افراط و تفریط در آن پرهیز شود، چرا که عدم کنترل این گزینه، چه از جانب افراط و چه از جانب تفریط، هم برای زن زیان‌بخش است و سلامتی او را به خطر می‌اندازد و هم در ایجاد زمینه‌های ناهنجاری در جامعه، تاثیرگذار خواهد بود. از این رو دین اسلام، در کنار توصیه زنان به خودآرایی (در محیط خانه و برای همسر)، به منظور پاک ماندن محیط اجتماع و حفظ امنیت و کرامت انسانی زنان، به حجاب و پوشاندن زینت‌ها و زیبایی‌ها و عدم تبرج و جلوه‌گری در مقابل نامحرمان نیز دستور داده

است. بنابراین می‌توان گفت حجاب از جمله در زمینه پوشش و به تبع آن عفاف، دارای کارکرد است و کارکرد های آن، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی می‌باشد. در بعد فردی کارکرد حجاب پاسخگویی به نیازهای فطری «خود استتاری» و تامین امنیت در برابر شرایط جوی است و در بعد اجتماعی کارکرد آن هویت‌بخشی و امنیت اجتماعی است (سلطانی رنانی، ۱۳۸۳، ۶۲). یکی از مهمترین دلایل حجاب و عفاف برای زنان، حفظ سلامت روانی اجتماع است. سازمان بهداشت جهانی سلامت روان را چنین تعریف می‌کند: «سلامت فکر و روان عبارت است از قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی، به‌طور منطقی، عادلانه و مناسب» (میلانی فر، ۱۳۷۶، ۱۵). بنابراین مهم‌ترین دلیل حجاب زن، حضور عقیفانه او در اجتماع است تا سلامت خود و جامعه را پی‌ریزی نموده و از حرکات بیمارگونه اجتماع به سمت روان‌پریشی و نابهنجاری جلوگیری نماید. قرآن کریم نیز حریم عفاف و ایجاد پرده بین زن و مرد را نخستین حرکت سامان بخش و سلامت‌آفرین اجتماع می‌داند و می‌فرماید:

والذین هم لفروجهم حافظون الاعلیٰ ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین (مومنون: ۶-۵).

یکی از ظرایف فرهنگ اسلامی که موجب استحکام و گرمی خانواده می‌گردد و مانع رشد و فساد و تباهی جامعه می‌شود و جریان زندگی بشر را در مسیر اصلی خود قرار می‌دهد پوشش و حجاب اسلامی است. در حالی که در بسیاری از جوامعی که حجاب در باورهای آنها جایگاهی ندارد وضعیت به گونه دیگری است. به عنوان مثال در تحقیقی که وزارت دادگستری و مراکز پیشگیری و کنترل بیماری‌ها به تأیید یک مرکز درمانی در دانشگاه کالیفرنیا روی ۸۰۰۰ زن و ۸۰۰۰ مرد انجام دادند. و مطابق تحقیقات «کالج ملی مطالعه زنان قربانیان جنسی» به این نتیجه رسیدند که بین یک سوم تا یک ششم از زنان ایالات متحده در طول زندگی خود مورد نوعی آزار جنسی قرار گرفته‌اند (۷/۱۷ میلیون زن قربانی هتک حرمت یا تلاش برای هتک حرمت شده‌اند) که ۸۳ درصد از آنها زیر ۲۵ سال بوده‌اند. هزینه سالانه خشونت و آزارهای مختلف جنسی در کانادا سالانه بالغ بر ۴۲۲۵ میلیارد دلار است. همچنین در اروپا از هر سه کودک یکی نامشروع است (تقوی، ۱۳۸۵).

زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را طلب می‌کند، بلکه باعث گسترش روزافزون امنیت اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای جهت رشد معنوی مردان می‌گردد؛ همچنان که خداوند

سبحان، خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشان را با چادرهای خود بپوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت، آزار نکشند، در امنیت کامل باشند. خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان است» (احزاب: ۵۹).

با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معین می‌گردد که هدف از تشریح وجوب حکم حجاب اسلامی دست‌یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امنیت اجتماعی است. «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳). چون نگاه به نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه‌کن نمودن امنیت اجتماعی می‌شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این باره از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است: «حَرَّمَ النَّظْرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ»؛ نگاه به موهای زنان باحجاب ازدواج کرده و

بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و آنان را به فساد فرا می خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته (سلطانی رنانی، ۱۳۸۳، ۵۲۱).

از این رو پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم قلمداد می شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و از همه مهمتر امنیت اجتماعی را فراهم می سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است. چرا که پوشش و لباس هر کس، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ تبعیت می کند (حداد عادل، ۱۳۸۰، ۴۰). به طور کلی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب و مهمتر از آنها مسئله امنیت اجتماعی باعث می شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، وسوسه های شیطانی را هیچ انگاشته و از این طریق آرامش برونی و درونی اجتماع را وسعت بخشد. (سلطانی رنانی، ۱۳۸۳، ۵۲۴)

مدل تحلیلی حجاب و عفاف

در میان محققان دو رأی مختلف در باب رابطه حجاب و عفاف به چشم

می خورد:

الف) برخی از اندیشمندان معتقدند که هیچ نسبت و رابطه‌ای میان حجاب و عفاف وجود ندارد و این دو، اموری کاملاً متمایز هستند و چنین نیست که اگر زنی حجاب نداشته باشد، عفیف و پاکدامن نباشد. مثلاً ویل دورانت می‌گوید: عفت با لباس پوشیدن هیچ رابطه‌ای ندارد و یا پروین اعتصامی گفته است: چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود (مهریزی، ۱۳۷۹، ۷۳).

ب) عده‌ای دیگر از محققان بر وجود رابطه میان حجاب و عفاف اصرار ورزیده و رابطه این دو را به باطن و ظاهر، روح و جسم یا گوهر و صدف تشبیه کرده و گفته‌اند: حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. به زعم این گروه عفاف علائم و نشانه‌های رفتاری و گفتاری دارد که یکی از آنها حجاب است. بر این اساس نمی‌توان کسی را عفیف نامید در حالی که حجاب را رعایت نمی‌کند. لذا حجاب ارتباط بنیادین با عفاف دارد و نمی‌شود کسی طرفدار حیا و عفاف باشد، اما حجاب را انکار کند. توجه به شواهد خارجی و مصادیق عینی در این باب، می‌تواند حقیقت مطلب را آشکار سازد. توضیح آنکه می‌توان افرادی را

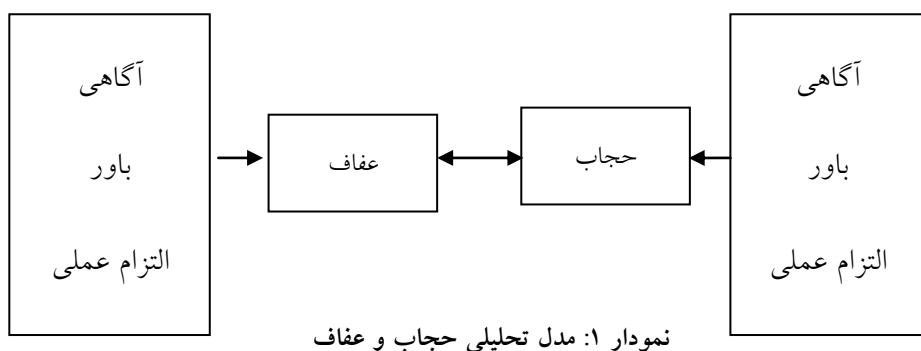
تصور کرد که در پوشش عفت داشته باشند، اما حجاب شرعی را رعایت نکنند. برای مثال می‌توان از زنانی یاد کرد که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند و با پاسخ به ندای فطرت از عفت در پوشش برخوردارند، اما حجاب اسلامی ندارند یا افرادی را فرض کرد که حجاب شرعی را رعایت می‌کنند، یعنی در مقابل نامحرم خود را می‌پوشانند، اما عفت در پوشش ندارند، یعنی از لباس شهرت و مانند آن استفاده می‌کنند. لباس شهرت، لباسی است که از نظر رنگ، شکل، جنس یا نحوه دوخت خارج از عرف جامعه باشد و فرد به واسطه پوشیدن آن انگشت‌نما شود که در روایات اسلامی این عمل مورد نهی قرار گرفته است»

انَّ اللَّهَ يَبْغِضُ شَهْرَ اللَّيْسِ». بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی باید گفت که حجاب و عفاف، دو حقیقت هستند که میان آنها، رابطه لزومیه (به این معنی که وجود یکی ما را از دیگری بی‌نیاز کند) برقرار نیست؛ بلکه وجود هر دو با هم ضروری است؛ لذا می‌توان گفت که این دو متمم و مکمل هم هستند (غروی نائینی و وحیده عامر، ۱۳۸۶، ۲۸-۱۲۷). شهید مطهری نیز نظریه دوم را می‌پذیرد و چنین می‌گوید که عفاف، خویشن‌داری با علائم و نشانه‌های رفتاری و گفتاری است و وجود آن بستگی به وجود نشانه‌های آن دارد پس حفظ عفاف بدون رعایت نشانه‌های آن ممکن نیست. عفت نمی‌تواند یک امر صرفاً درونی باشد و

هیچ علامت بیرونی نداشته باشد. بخشی از تفاوت‌ها در نشانه‌های خویشتن‌داری زن و مرد، از تفاوت در خلقت آنها سرچشمه می‌گیرد و یکی از نشانه‌های عفاف، پوشش است. عفاف بدون رعایت پوشش، قابل تصور نیست. نمی‌توان به زن یا مردی، عقیف گفت در حالی که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود گرچه تفاوت رفتارهای انسانی و حیوانی، ریشه در تفاوت خلقت و فطرت، گرایش‌ها و منش‌ها دارد. در اسلام از نشانه‌های برجسته عفاف می‌توان به پوشش اسلامی (حجاب) اشاره نمود (مطهری، ۱۳۶۲، ۱۰۶). بنابراین حیا و عفاف اگر چه از خصلت‌های درونی انسان است و حجاب به ظاهر و شکل مربوط است، اما مسلماً به هم مربوط هستند. فارغ از اینکه نوع رابطه عفت و حجاب چگونه است، یقیناً هر ظاهری، با هر باطن و فکر و اخلاقی سازگار نیست. کما اینکه انسان از هر فرد، رفتار، گفتار و ظاهر مناسب با آن را انتظار دارد. هم «هر پوشیده و چادر به سری، عقیف است» غلط است و هم «هر غیر پوشیده و بدون چادری، غیر عقیف است» نادرست می‌باشد. از نظر مصداقی و خارجی، برخی چادر به سرها و پوشیده‌ها عقیفه هستند و برخی نیستند. کما اینکه بی‌چادرها و کم‌پوشش‌ها، برخی عقیفه هستند و برخی غیر عقیفه. اما نکته اساسی که باید توجه کرد اینکه حجایی که در شرع از آن تعریف شده منحصر به

پوشاندن سر و بدن نیست، بلکه در نگاه و گفتار و رفتار و همه ابعاد مصداق دارد. این گونه حجاب قهراً زاییده عفاف و حیای درونی است. محال است فردی عقیف کامل باشد و به ظاهر و رفتار او سرایت نکند؛ چنان که بدون عفت و حیا، کسی نمی‌تواند حجاب کامل را در رفتار خود به نمایش گذارد، مگر موقتی و منافقانه. به هر حال، آنچه اکنون ادعا می‌شود اینکه به نحو سالبه کلیه نمی‌توان گفت «هیچ ربطی بین عفاف و حجاب باطن و ظاهر وجود ندارد». تجربه و علم روانشناسی و فیزیولوژی نشان داده است که ظاهر در باطن و روح مؤثر است، کما اینکه روح و اوصاف آن در ظاهر مؤثر است. اصل تأثیر و تأثر متقابل بین ظاهر و باطن انسان حاکم است (کریمی، ۱۳۸۶، ۷۸). و قابل تسری به حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش راستین برای انسان‌ها که برگرفته از اعتقادات ناب دینی و باورهای پاک الهی است. یکی پوشش ظاهری است و دیگری پوشش باطنی، یکی نماد بیرونی در دیدگان افراد جامعه دارد و همچون بیرقی افراشته و شعاری نمایان همگان را به صلاح و رستگاری فرا می‌خواند و دیگری نمود درونی در سازمان‌دهی اعضا و مدیریت چشم و گوش و دل و دیده دارد تا هر یک در مرحله‌ای صحیح و سازنده به کار گرفته شوند و در مرزهای ممنوع الهی متوقف گردند (مطهره علی، ۱۳۸۶، ۳۲-۲۳۱). بنابراین در این مقاله به حجاب و عفاف

از ابعاد مختلف (آگاهی، باور و التزام عملی) و رابطه آنها توجه شده است. بر اساس این مدل تحلیلی فرض بر آن است که یک رابطه دو سویه بین حجاب و عفاف وجود دارد. عفاف زمینه حجاب را فراهم می‌کند. یعنی افرادی که به عفاف توجه بیشتری دارند حجاب را بیشتر رعایت می‌کنند. و افرادی که حجاب را رعایت می‌کنند به احتمال زیاد عفاف بیشتری دارند. نمودار (۱) به خوبی بیانگر این رابطه است.



روش

این مطالعه، پیمایش و تحلیلی از نوع مقطعی است. جامعه آماری آن عبارت است از کلیه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دولتی (سال اول، دوم و سوم

تمامی رشته‌ها) در مناطق ۱۹ گانه استان همدان در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ که بر اساس آمار موجود در گروه طرح و برنامه سازمان آموزش و پرورش استان، بدون احتساب بزرگسالان ۳۹۲۴۴ نفر می باشند.

حجم نمونه با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و با فرض وجود یا عدم وجود صفت (آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف) به نسبت ۵۰ به ۵۰ بر اساس جدول لین^۱ (لین، ۱۹۷۸، ۳۸۷). با خطای (۰/۰۵) شامل ۱۰۶۹ نفر بود که برای مناطق برخوردار ۳۷۷ نفر، نیمه برخوردار ۳۷۰ نفر و محروم ۳۲۲ نفر انتخاب گردید. بنابراین نتیجه‌ای که در خصوص متغیر میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف به دست آمده است با ۹۵ درصد اطمینان می توان درصد میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف را به صورت به اضافه و منهای خطای نمونه‌گیری (۵ درصد) به جامعه دانش‌آموزان دختر متوسطه در استان همدان تعمیم داد (دواس، ۱۳۷۶، ۷۹).

واحد مشاهده و تحلیل، دانش‌آموز دختر دوره متوسطه در استان همدان می باشد.

^۱ - Line

|

۲۰۹

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. به این صورت که ابتدا خوشه‌های اصلی انتخاب شدند که شامل مناطق برخوردار، نیمه برخوردار و محروم از لحاظ امکانات آموزشی هستند. (۱۹ منطقه آموزشی در قالب سه خوشه اصلی فوق قرار گرفتند که در جدول (۱) نشان داده شده است

جدول ۱: تقسیم بندی خوشه‌های اصلی و فرعی

خوشه‌های اصلی	خوشه‌های فرعی
برخوردار	ناحیه ۱ و ۲ همدان، ملایر، نهاوند، تویسرکان
نیمه برخوردار	اسدآباد، بهار، رزن، کبودرآهنگ، لالچین، جوکار، خزل، سامن، قروه درجزین، فامنین
محروم	سرد رود، قلقلرود، قهاوند، گل تپه

در مرحله دوم به‌طور تصادفی از خوشه‌های اصلی برخوردار ۳ خوشه فرعی، نیمه برخوردار ۵ خوشه فرعی و محروم ۳ خوشه فرعی انتخاب شد. این خوشه‌های فرعی در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲: انتخاب تصادفی خوشه‌های فرعی

خوشه‌های اصلی	خوشه‌های فرعی
برخوردار	ناحیه ۱ همدان، ملایر، نهاوند
نیمه برخوردار	اسدآباد، کبودرآهنگ، بهار، خزل، جوکار
محروم	گل تپه، قلقلرود، قهاوند

در مرحله سوم از میان ۱۱ خوشه انتخاب شده با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب اقدام به انتخاب تصادفی نمونه‌ها گردید.

پایایی

برای محاسبه پایایی^۱ ابزار اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه همابستگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند، به کار می‌رود (دلاور، ۱۳۸۲، ۱۶۹). آماره آلفا شاخص پایایی کل مقیاس است که باید مقدار آن حداقل ۰/۷۰ باشد. در این مطالعه ضریب آلفای کرونباخ برای آگاهی نسبت به حجاب (۰/۷۳)، آگاهی نسبت به عفاف (۰/۷۶)، باور به حجاب (۰/۷۹)، باور به عفاف (۰/۷۶)، التزام عملی به حجاب (۰/۷۳) و التزام عملی به عفاف (۰/۷۹) به دست آمده است.

^۱ - Reliability

اعتبار

یکی از انواع اعتبار ابزار اندازه‌گیری، اعتبار محتوایی^۱ است که در این مطالعه از آن استفاده شده است. یعنی سؤالاتی که به منظور سنجش میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف طراحی شده بود از طریق مشاوره با اساتید فن، هدف مورد نظر این مطالعه را محقق ساخته است.

روش تجزیه و تحلیل

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از فنون آماری مختلف مانند شاخص‌های مرکزی^۲ و پراکندگی^۳، ضریب همبستگی پیرسون^۴ و تحلیل مسیر^۵ استفاده شده است. البته قبل از به‌کارگیری آزمون‌های پارامتری^۶ با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۷ به منظور تطبیق طبیعی بودن داده‌ها و آماره لون^۱ برای

^۱ - Content- related validity

^۲ - Central tendency

^۳ - Measure of variation

^۴ - Pearson coefficient of correlation

^۵ - Path analysis

^۶ - Parametric

^۷ - Kolmogorov- Smirnov test

تعیین همگنی واریانس بین گروه‌ها، مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتری می‌باشیم. در زمینه توصیف داده‌ها به منظور تعیین میزان حجاب و عفاف در سه بعد آگاهی، باور و التزام عملی، از فرمول (۱) برای تعیین میانگین مقیاس (فرضی) آگاهی و از فرمول (۲) برای تعیین میانگین مقیاس (فرضی) باور و التزام عملی استفاده شد.

فرمول ۱-

$$st.k = \text{امتیاز جواب درست} \times \text{تعداد اظهار نظرها (گویه ها)} = \frac{st.k}{2} \quad (1)$$

فرمول ۲-

$$5k = \text{طیف ۵ درجه ای لیکرت} \times \text{تعداد اظهار نظرها (گویه ها)} = \frac{5k + 1k}{2} \quad (2)$$

یافته ها

توصیف متغیرهای زمینه‌ای

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، (۳۶/۱ درصد) دانش‌آموزان پایه اول، (۳۲/۲ درصد) پایه سوم و (۳۱/۷ درصد) در پایه دوم هستند.

^۱ - Leven statistic

از نظر رشته تحصیلی: (۳۶ درصد) دانش‌آموزان در رشته عمومی (سال اول دبیرستان)، (۱۸/۱ درصد) در رشته علوم تجربی، (۱۵/۷ درصد) در رشته کار و دانش، (۱۵/۴ درصد) در رشته ریاضی و فیزیک و (۱۴/۸ درصد) نیز در رشته علوم انسانی مشغول به تحصیل می‌باشند.

از نظر منطقه آموزشی: (۳۵/۳ درصد) دانش‌آموزان در منطقه برخوردار، (۳۴/۶ درصد) در منطقه نیمه برخوردار و (۳۰/۱ درصد) در منطقه محروم مشغول به تحصیل هستند.

و از نظر قومیت: (۴۳/۳ درصد) دانش‌آموزان ترک، (۲۲/۲ درصد) لر، (۲۱/۷ درصد) فارس و (۱۲/۸ درصد) کرد و لک هستند.

جدول ۳: توزیع دانش‌آموزان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

درصد	فراوانی	نام متغیر		درصد	فراوانی	نام متغیر	
۳۰/۱	۳۲۲	محروم	مناطق آموزشی	۳۶/۱	۳۸۶	اول	پایه تحصیلی
۳۴/۶	۳۷۰	نیمه برخوردار		۳۱/۷	۳۹۹	دوم	
۳۵/۳	۳۷۷	برخوردار		۳۲/۲	۳۴۴	سوم	
۱۰۰	۱۰۶۹	جمع		۱۰۰	۱۰۶۹	جمع	
۲۱/۷	۲۲۹	فارس	قومیت	۳۶	۳۸۵	عمومی	رشته تحصیلی
۲۲/۲	۲۳۴	لر		۱۴/۸	۱۵۸	انسانی	
۴۳/۳	۴۵۷	ترک		۱۸/۱	۱۹۳	تجربی	
۱۲/۸	۱۳۵	کرد و لک		۱۵/۴	۱۶۵	ریاضی و فیزیک	
۱۰۰	۱۰۵۵	جمع		۱۵/۷	۱۶۸	کار و	

					دانش	
			۱۰۰	۱۰۶۹	جمع	

نوع پوشش در خارج از مدرسه

جدول (۴) بیانگر توزیع دانش‌آموزان بر حسب نوع پوشش در خارج از مدرسه می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، (۶۲/۶ درصد) در خارج از مدرسه نوع پوششان چادر و (۳۷/۴ درصد) مانتو می‌باشد.

جدول ۴: توزیع دانش‌آموزان بر حسب نوع پوشش در خارج از مدرسه

نوع پوشش در خارج از مدرسه	تعداد	درصد
مانتو	۳۹۷	۳۷/۴
چادر	۶۶۵	۶۲/۶
جمع	۱۰۶۲	۱۰۰

بدون جواب = ۷ مورد

میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف

جدول ۵- بیانگر توزیع دانش‌آموزان بر حسب میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، میانگین مقیاس (فرضی) آگاهی نسبت به حجاب (۱۸) و میانگین نمونه (۱۸/۲۴) می‌باشد. تفاوت این دو (۰/۲۴) در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی‌دار است.

میانگین مقیاس (فرضی) آگاهی نسبت به عفاف (۱۶) و میانگین نمونه (۱۹/۲۶) می باشد. و تفاوت این دو (۳/۲۶) در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است.

میانگین مقیاس (فرضی) باور به حجاب (۳۹) و میانگین نمونه (۵۱/۴۸) می باشد. تفاوت این دو (۱۲/۴۸) در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است.

میانگین مقیاس (فرضی) باور به عفاف (۳۶) و میانگین نمونه (۴۷/۳۷) می باشد. تفاوت این دو (۱۱/۳۷) در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است.

میانگین مقیاس (فرضی) میزان التزام عملی به حجاب (۳۳) و میانگین نمونه (۳۴/۴۴) می باشد. تفاوت این دو (۱/۴۴) در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است.

میانگین مقیاس (فرضی) میزان التزام عملی به عفاف (۳۳) و میانگین نمونه (۴۲/۳۴) می باشد. تفاوت این دو (۹/۳۴) در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است.

بنابراین می‌توان گفت در نمونه مورد بررسی میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف نسبتاً بالا بوده اما به جز بعد باور در دو بعد دیگر (آگاهی و التزام عملی) به عفاف در بین دانش‌آموزان بیشتر از حجاب بوده است.

جدول ۵: میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف در بین دانش‌آموزان

شاخص‌های آماری شاخص	تعداد	میانگین نمونه	انحراف معیار	دامنه تغییرات	میانگین فرضی	تفاوت ۲ میانگین	سطح معناداری
آگاهی نسبت به حجاب	۱۰۶۹	۱۸/۲۴	۴/۶۹	۲۷	۱۸	۰/۲۴	$P < ۰/۰۱$
آگاهی نسبت به عفاف	۱۰۶۹	۱۹/۲۶	۵/۵۸	۳۳	۱۶	۳/۲۶	$P < ۰/۰۱$
باور به حجاب	۱۰۶۹	۵۱/۴۸	۸/۸۲	۵۲	۳۹	۱۲/۴۸	$P < ۰/۰۱$
باور به عفاف	۱۰۶۷	۴۷/۳۷	۶/۴۴	۴۰	۳۶	۱۱/۳۷	$P < ۰/۰۱$
التزام عملی به حجاب	۱۰۶۹	۳۴/۴۴	۵/۰۴	۳۱	۳۳	۱/۴۴	$P < ۰/۰۱$
التزام عملی به عفاف	۱۰۶۹	۴۲/۳۴	۶/۹۶	۴۲	۳۳	۹/۳۴	$P < ۰/۰۱$

رابطه بین ابعاد حجاب (آگاهی، باور و التزام عملی)

نتایج جدول (۶) بیانگر رابطه بین ابعاد حجاب می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حجاب و میزان باور آنها به حجاب با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r = ۰/۲۴۶$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی با افزایش در میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حجاب، میزان باور آنان به حجاب نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

بین میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حجاب و میزان التزام عملی آنها به حجاب با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r = ۰/۱۷۳$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حجاب بیشتر باشد، میزان التزام عملی آنان به حجاب نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.

بین میزان باور دانش‌آموزان به حجاب و میزان التزام عملی آنها به حجاب با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r = ۰/۳۹۵$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان

باور دانش‌آموزان به حجاب بیشتر باشد، میزان التزام عملی آنان به حجاب نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.

جدول ۶: همبستگی بین ابعاد حجاب

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان آگاهی نسبت به حجاب* میزان باور به حجاب	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰
میزان آگاهی نسبت به حجاب* میزان التزام عملی به حجاب	۰/۱۷۳	۰/۰۰۰
میزان باور به حجاب* میزان التزام عملی به حجاب	۰/۳۹۵	۰/۰۰۰

رابطه بین ابعاد عفاف (آگاهی، باور و التزام عملی)

نتایج جدول (۷) بیانگر رابطه بین ابعاد عفاف می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به عفاف و میزان باور آنها به عفاف با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r = ۰/۳۱۳$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هر چه قدر میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به عفاف بیشتر باشد، میزان باور آنان به عفاف نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.

بین میزان آگاهی دانش آموزان نسبت به عفاف و میزان التزام عملی آنها به عفاف با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۲ = ۰/۱۸۲) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان آگاهی دانش آموزان نسبت به عفاف بیشتر باشد، میزان التزام عملی آنان به عفاف نیز بیشتر می شود و بالعکس.

بین میزان باور دانش آموزان به عفاف و میزان التزام عملی آنها به عفاف با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۲ = ۰/۴۸۹) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان باور دانش آموزان به عفاف بیشتر باشد، میزان التزام عملی آنان به عفاف نیز بیشتر می شود و بالعکس.

جدول ۷: همبستگی بین ابعاد عفاف

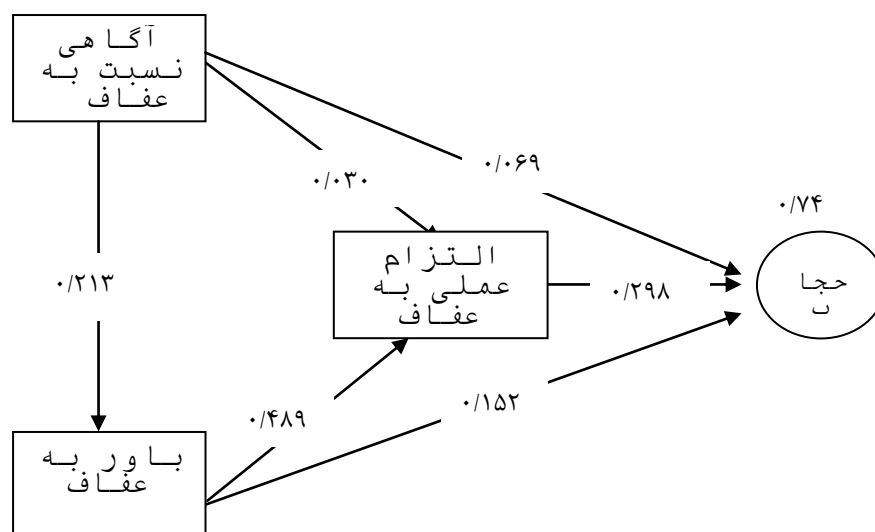
نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنا داری
میزان آگاهی نسبت به عفاف* میزان باور به عفاف	۰/۳۱۳	۰/۰۰۰
میزان آگاهی نسبت به عفاف* میزان التزام عملی به عفاف	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۰/۴۸۹	میزان باور به عفاف * میزان التزام عملی به عفاف
-------	-------	---

|

مدل مسیر:

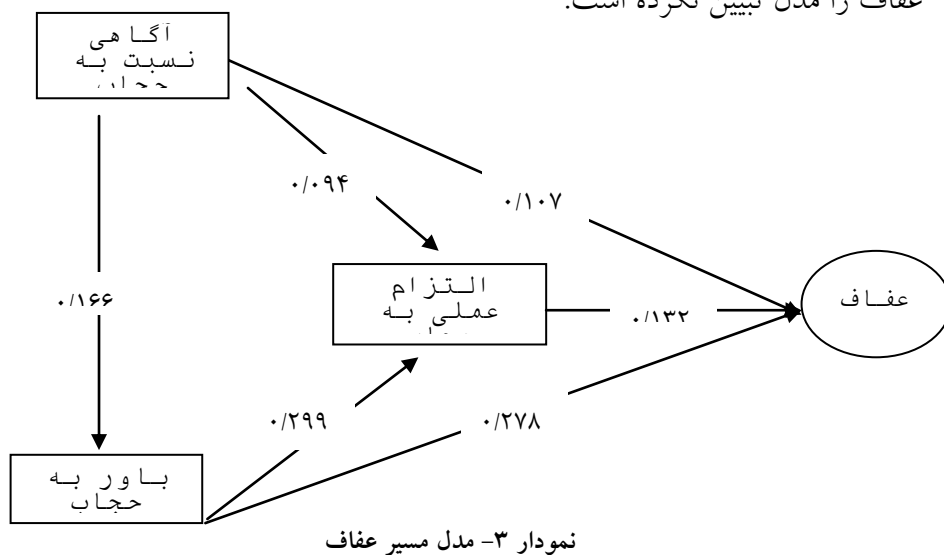
نمودار (۲) بیانگر رابطه علی بین ابعاد عفاف (آگاهی، باور و التزام عملی) و حجاب کلی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که تاثیر علی مستقیم متغیرهای آگاهی نسبت به عفاف ۰/۰۶۹، باور به عفاف ۰/۱۵۲ و التزام عملی به عفاف ۰/۲۹۸ بوده، همچنین میزان تاثیر علی غیرمستقیم آگاهی نسبت به عفاف بر حجاب از طریق باور و التزام عملی به عفاف ۰/۰۳۱، تاثیر متغیر آگاهی نسبت به عفاف بر حجاب از طریق باور به عفاف ۰/۰۳۲ و تاثیر متغیر باور به عفاف بر حجاب از طریق التزام عملی به عفاف ۰/۱۴۶ می‌باشد. کل اثر علی (مستقیم و غیر مستقیم) عفاف بر حجاب نیز ۰/۷۴ است. مقدار R^2 نشان داد که در کل مدل عفاف توانسته است ۴۵ درصد از واریانس حجاب را تبیین کند. کمیت خطای مدل (۰/۷۴) نشان‌دهنده مقدار واریانس متغیری است که متغیرهای متقدم مدل آن را تبیین نکرده‌اند. با مجذور کمیت خط (E) واریانس تبیین نشده به دست می‌آید که در این مدل ۰/۵۵ است به عبارت دیگر ۵۵ درصد از واریانس حجاب را مدل تبیین نکرده است.



نمودار ۲- مدل مسیر حجاب

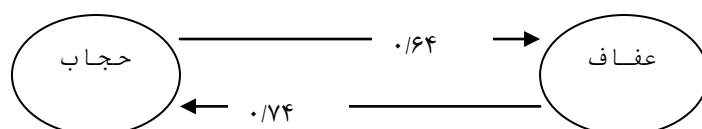
با توجه به نمودار ۳- تاثیر علی مستقیم متغیرهای آگاهی نسبت به حجاب ۰/۱۰۷، باور به حجاب ۰/۲۷۸ و التزام عملی به حجاب ۰/۱۳۲ بوده، همچنین بیشترین میزان تاثیر علی غیرمستقیم از مسیر باور نسبت به حجاب بر عفاف از طریق التزام عملی به حجاب (۰/۵۳) بوده، تاثیر متغیر آگاهی نسبت به حجاب بر عفاف از طریق باور به حجاب و التزام عملی به حجاب ۰/۰۴۶ و تاثیر متغیر آگاهی به حجاب بر عفاف از طریق باور به حجاب و التزام عملی به حجاب ۰/۰۰۹ می باشد. کل اثر علی (مستقیم و غیر مستقیم) حجاب بر عفاف نیز ۰/۶۴ است. مقدار R^2 نشان داد که در کل مدل حجاب توانسته است ۴۲ درصد از واریانس حجاب را تبیین کند.

کمیت خطای مدل (۰/۷۶) نشان‌دهنده مقدار واریانس متغیری است که متغیرهای متقدم مدل آن را تبیین نکرده‌اند. با مجذور کمیت خط (E) واریانس تبیین نشده به دست می‌آید که در این مدل ۰/۵۸ است به عبارت دیگر ۵۸ درصد از واریانس عفاف را مدل تبیین نکرده است.



بنابراین می‌توان گفت رابطه دو سویه حجاب و عفاف یک رابطه مثبت و معنادار است. یعنی برهم تاثیر گذاشته و از هم تاثیر می‌پذیرند. اما همان‌طور که عنوان شد کل اثر علی مدل عفاف بر حجاب بیشتر از کل اثر علی مدل حجاب بر عفاف می‌باشد و شاخص‌های برازش آن قویتر و مناسب‌تر می‌باشند. به همین

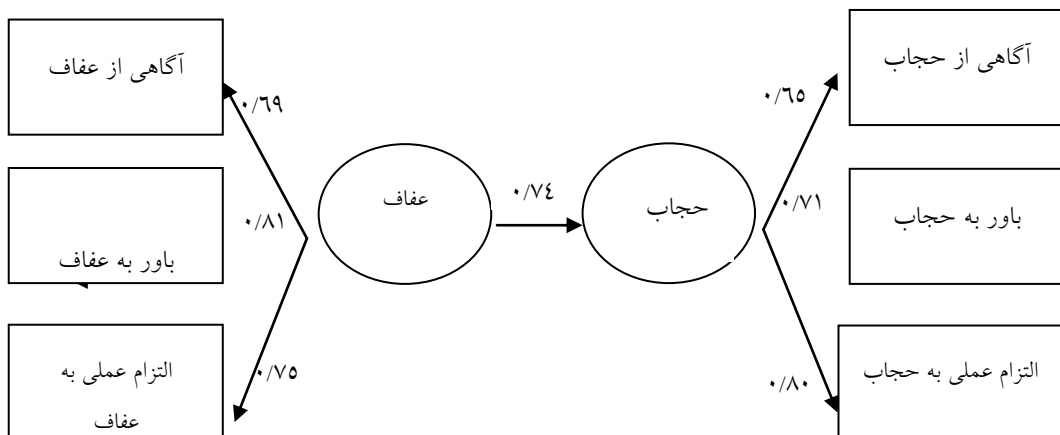
دلیل در ادامه برای مدل اثر عفاف بر حجاب مدل کامل آن به همراه شاخص‌های برازش تحلیل می‌شود.



نمودار ۴- مدل اثر عفاف بر حجاب

مدل کامل

نمودار (۵) یک مدل کامل را نشان می‌دهد که شامل مدل اندازه‌گیری X (عفاف و ابعاد آن)، مدل اندازه‌گیری Y (حجاب و ابعاد آن) و مدل ساختاری (رابطه علی عفاف با حجاب) است. نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که مهم‌ترین معرف متغیر مکنون عفاف، باور بوده و پس از آن به ترتیب، التزام عملی و آگاهی قرار دارند. همچنین معرف‌های متغیر مکنون حجاب به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: التزام عملی، باور و آگاهی. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که میزان تأثیر عفاف بر حجاب ۰/۷۴ است. یعنی عفاف اثر تقویت‌کننده‌ای بر حجاب دارد.



Chi-Square=۳۲/۸۴ DF=۸ P-Value=۰/۰۰۰۰۰ RMSEA=۰/۰۳۵

نمودار ۵- مدل کامل اثر عفاف بر حجاب

آزمون‌های برازندگی مدل کامل

با آنکه انواع گوناگون آزمون‌ها که به گونه کلی شاخص‌های برازندگی^۱ نامیده می‌شوند پیوسته در حال مقایسه، توسعه و تکامل می‌باشند اما هنوز درباره حتی یک آزمون بهینه نیز توافق همگانی وجود ندارد. نتیجه آن است که مقاله‌های مختلف، شاخص‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند و حتی نگارش‌های مشهور برنامه‌های SEM مانند نرم‌افزارهای *lisrel, Amos, EQS* نیز تعداد زیادی از شاخص‌های برازندگی به دست می‌دهند. (هومن ۱۳۸۴، ۲۳۵) این شاخص‌ها به شیوه‌های مختلفی طبقه‌بندی شده‌اند که یکی از عمده‌ترین آنها طبقه‌بندی به

^۱ - Fitting indexes

صورت مطلق، نسبی و تعدیل یافته می‌باشد. برخی از این شاخص‌ها عبارت‌اند

از:

χ^2 (مجذور کای)

آزمون مجذور کای (خی دو) این فرضیه را که مدل مورد نظر هماهنگ با الگوی کوواریانس بین متغیرهای مشاهده شده است را می‌آزماید، کمیت خی دو به حجم نمونه بسیار وابسته می‌باشد و نمونه بزرگ کمیت خی دو را بیش از آنچه که بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد. مقدار خی دو در مدل اثر عفاف بر حجاب ۳۲/۸۴ در حالی که در مدل اثر حجاب بر عفاف ۵۷/۴۹ است.

شاخص NFI و CFI

شاخص NFI (که شاخص بنتلر- بونت هم نامیده می‌شود) برای مقادیر بالای ۰/۹۰ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است. شاخص CFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است. این شاخص از طریق مقایسه یک مدل به اصطلاح مستقل که در آن بین متغیرها هیچ رابطه‌ای وجود ندارد با مدل پیشنهادی مورد نظر، مقدار بهبود را نیز می‌آزماید. شاخص CFI از لحاظ معنا مانند NFI است با این تفاوت که برای حجم گروه نمونه جریمه می‌دهد. در مدل رابطه عفاف با حجاب مقدار NFI و CFI ۰/۹۱ می‌باشد. در حالی که در مدل اثر حجاب بر عفاف مقدار NFI ۰/۸۱ و مقدار CFI ۰/۸۵ است.

شاخص‌های GFI و AGFI

شاخص ¹GFI مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به گونه مشترک از طریق مدل ارزیابی می‌کند. دامنه تغییرات GFI بین صفر و یک می‌باشد. مقدار GFI باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰ باشد. در مدل اثر عفاف بر حجاب شاخص GFI ، ۰/۹۵ است در حالی که در مدل اثر حجاب بر عفاف ۰/۹۰ است.

شاخص برازندگی دیگر ²AGFI یا همان مقدار تعدیل یافته شاخص GFI برای درجه آزادی می‌باشد. این مشخصه معادل با کاربرد میانگین مجذورات به جای مجموع مجذورات در صورت و مخرج (GFI-۱) است. مقدار این شاخص نیز بین صفر و یک می‌باشد. در مدل اثر عفاف بر حجاب مقدار این شاخص ۰/۸۶ است در حالی که در مدل اثر حجاب بر عفاف ۰/۸۴ می‌باشد.

شاخص ³RMSEA

¹ - Goodness of fit index

² - Adjusted Goodness of Fit Index

³ - Root Mean Square Error of Approximation

این شاخص، ریشه میانگین مجذورات تقریب می‌باشد. شاخص RMSEA برای مدل‌های خوب برابر ۰/۰۵ یا کمتر است. مدل‌هایی که RMSEA آنها ۰/۱ باشد برازش ضعیفی دارند. در مدل اثر عفاف بر حجاب مقدار این شاخص ۰/۰۳۵ می‌باشد در حالی که در مدل اثر حجاب بر عفاف ۰/۰۵۱ است.

شاخص AIC

شاخص‌های دیگری نیز در خروجی نرم‌افزار لیزرل دیده می‌شوند که برخی از آن‌ها مثل AIC برای تعیین برازنده‌ترین مدل از میان چند مدل مورد توجه قرار می‌گیرند و مدلی که دارای کوچکترین AIC باشد برازنده‌تر است. (هومن، ۱۳۸۴، ۲۴۴-۲۳۵) در مدل اثر عفاف بر حجاب مقدار AIC، ۲۰۷ بوده در حالی که در مدل اثر حجاب بر عفاف مقدار AIC، ۴۳۰ است. بنابراین بر اساس این شاخص‌ها می‌توان گفت گرچه مدل حجاب و عفاف رابطه تعاملی با همدیگر دارند اما مدل اثر عفاف بر حجاب برازنده‌تر است (هومن، ۱۳۸۴، ۴۲۲).

جدول ۸- مقایسه شاخص‌های برازش دو مدل رابطه حجاب و عفاف

شاخص‌های برازش	مدل اثر عفاف بر حجاب	مدل اثر حجاب بر عفاف
χ^2 (مجذور کای)	۳۲/۸۴	۵۷/۴۵

۰/۸۵	۰/۹۱	CFI (شاخص برازندگی تطبیقی)
۰/۸۱	۰/۹۱	NFI (شاخص هنجار شده برازندگی)
۰/۹۰	۰/۹۵	GFI (شاخص نیکویی برازش)
۰/۸۴	۰/۸۶	AGFI (شاخص نیکویی برازش تعدیل شده)
۰/۰۵۱	۰/۰۳۵	RMSEA (ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب)
۴۳۰	۲۰۷	AIC (ملاک اطلاعات آکایکی)

بحث و نتیجه گیری

رفتارهای فردی و اجتماعی کنش گران تابعی از گرایش های آنها نسبت به رفتارهای مورد نظر است. گرایش دارای دو بعد اساسی یعنی آگاهی و احساس (باور) می باشد. این ابعاد زمینه ایجاد یا عدم ایجاد کنش مطلوب را فراهم می سازند. یکی از کنش های اجتماعی که در این مقاله به آن پرداخته شده است حجاب و عفاف است. دو بعد گرایشی حجاب و عفاف همان آگاهی و باور نسبت به حجاب و عفاف می باشد و بعد کنشی (رفتاری) این دو پدیده التزام عملی به رعایت آنها است. نتایج این مطالعه نشان داد که بیشتر دانش آموزان (۶۲/۶ درصد) در خارج از مدرسه نوع پوششان چادر بوده و تنها (۳۷/۴ درصد) در خارج از مدرسه از پوشش مانتو استفاده می کنند.

لباس، امروزه نماد فرهنگی جوامع و جزئی از پیکره آن محسوب می‌شود تا جایی که با هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جوامع گره خورده و به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم در جهت شناسایی فرهنگ‌های مختلف و حتی تحول در ساختار فرهنگی یک جامعه بکار گرفته می‌شود. پوشش چادر مشکی برای خانم‌ها به منظور مشخص کردن مرزها و حریم‌های اجتماعی است و بین دارنده حجاب و مردان نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد می‌کند. لذا چادر مشکی به منزله حرمت و احترام است. مرز ادب، کرامت، حیا و عفت است. مرز آداب است و نشان می‌دهد که در این محدوده باید حریم را نگه داشت. بهترین حجاب زنان در بیرون از خانه و در محیط اجتماع به طور کلی در برابر نامحرمان، چادر مشکی است که علم تجربی روان‌شناسی نیز آن را تأیید می‌کند.

بر اساس نتایج این مطالعه ابعاد عفاف به‌ویژه بعد آگاهی و التزام عملی در بین دانش‌آموزان به نسبت بالاتر از ابعاد حجاب است. یکی از دلایل این مسئله تأکید بسیاری از افراد و خانواده‌ها بر حجاب باطن می‌باشد تا حجاب ظاهر، لذا نیت درونی را مهم‌تر از رفتار ظاهری می‌دانند. همچنین گاهی تاثیر رسانه‌ها در زمینه ترویج مدگرایی و فرهنگ مصرف‌زدگی خواسته یا ناخواسته گرایش‌های جذبی

برای قشر نوجوان و جوان به آراستن تن و ظواهر بر اساس الگوهای مورد انتظار را سبب می‌شود. بدون آنکه کنش‌گران این عرصه خواهان بی‌عفتی باشند.

در روایت نبوی (ص) آمده است:

«الحياء عشرة اجزاء فتسعه في النساء و واحد في الرجال»؛ حیا ده جزء دارد،

نه تای آن در زنان است و یکی از آن در مردان.

امام علی (ع) می‌فرمایند: «زکاه الجمال، العفاف»؛ زکات زیبایی، عفاف است

(باقی پور، ۱۳۸۳، ۵۸).

گاه گفته می‌شود: «عفاف، غیر از حجاب است و چنین نیست که زنان اگر

حجاب نداشته باشند، عقیف و پاکدامن نیستند».

دو واژه «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک هستند.

تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن

است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری

در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی

با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های

عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری

باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است.

نتایج این مطالعه نیز بیانگر همین موضوع می‌باشد. به طوری که در تحلیل نهایی مشخص گردید کل اثر علی مدل عفاف بر حجاب (۰/۷۴) بیشتر از کل اثر علی مدل حجاب بر عفاف (۰/۶۴) می‌باشد..

بنابراین می‌توان گفت رابطه دو سویه حجاب و عفاف یک رابطه مثبت و معنادار است یعنی بر هم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند. اما عفاف تأثیر شدیدتری بر حجاب دارد در حالی که تأثیر حجاب، بر عفاف، به نسبت کمتر اما معنادار است.

از این رو هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. علاوه بر این، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است. همان گونه که حجاب و پوشش

ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست.

منابع

- ۱- باقی پور، فاطمه سادات (۱۳۸۳) نکاتی در باب حجاب، پیام زن، سال سیزدهم، ش ۱۴۶.
- ۲- بهزاد پور، سیمین دخت (۱۳۸۲) نقش حجاب در توسعه، تهران: زعیم.
- ۳- تقوی، سهیل (۱۳۸۵) حجاب از منظر قرآن، روزنامه ایران، ۱۳ بهمن ۱۳۸۵.
- ۴- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۰) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش.
- ۵- دلاور، علی (۱۳۸۲) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد.
- ۶- دواس، دی. ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، تهران، نشر نی.
- ۷- سلطانی رنانی، مهدی (۱۳۸۳) حجاب و امنیت اجتماعی، مکتب اسلام، سال ۴۴، شماره ۷.
- ۸- صفار دستگردی، مهدی (۱۳۸۳) بدحجابی در نگرشی جامعه‌شناختی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۲.
- ۹- طیبی، ناهید (۱۳۷۶) حجاب و عفاف، پیام زن، شماره ۷۰.
- ۱۰- غروی نائینی، نهله و عامری، وحیده (۱۳۸۶) پوششی در معنا و مفهوم حجاب، فصلنامه مطالعات رهبردی زنان، سال نهم، ش ۳۶، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- ۱۱- فانون، فرانتس (۱۳۸۴) بررسی جامعه‌شناسی یک انقلاب یا سال پنجم انقلاب الجزایر، تهران، حقیقت.

۱۲- کریمی، حمید (۱۳۸۶) بررسی مسئله حکمت پوشش، معرفت، سال شانزدهم، ش، ۱۱۸،

صص ۸۴-۶۹.

۱۳- مطهره‌علی، مرتضی (۱۳۸۶) عفت، حجاب و دیدگاه‌ها، بانوان شیعه، سال چهارم، شماره ۱۱،

صص ۴۹-۲۲۹.

۱۴- مطهری، شهید مرتضی (۱۳۷۳) مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا

۱۵- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، الزهراء

۱۶- مهریزی، مهدی (۱۳۷۹) پوشش اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

۱۷- میرعارفین، زهره سادات (۱۳۸۵) عفاف زن در متون مقدس، بینات، شماره ۵۱.

۱۸- هومن، حیدر علی (۱۳۸۴) مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، تهران،

انتشارات سمت.

